

یکی از جذابیت‌های مستندسازی درباره علما، پیچیدگی در نحوه ارتباط با علماست. خود اینها در فرآیند به مستندسازی ایده می‌دهد. در عین حال وقتی این اتفاق رقم می‌خورد، می‌تواند تصاویر بکری به دست آورد. تصاویر بکر یکی ارزش است، چرا که دیدن تصویر علمای برای علاقه‌مندان شان جذاب است

## پرونده «وطن امروز» درباره مستندسازی در باب سیره و سلوک علما

# جلوه خلوت

تولید هر اثر نمایشی پیرامون زندگی علما با چالش‌ها و جذابیت‌های توأمان همراه است. چالش‌هایی که به خاطر زیست علمایی، مستندساز با آن مواجه است، چالش‌هایی هستند که جز با مداومت و اصرار بر جلب موافقت شخصیتی که دوست دارد همیشه در خلوت بماند، نمی‌توان آنها را مرتفع کرد. اگر چه طی همین مسیر برای مستندساز می‌تواند خود یک سفر معنوی باشد اما با این سوال مواجه خواهیم بود: در چارچوب‌های مستندسازی یا فیلمسازی امروزی چقدر در تناسب است؟ اگر چه عارف‌مسلمکی علما نیز شاید نسبت به گذشته شکل دیگری به خود گرفته باشد. با این همه رفتن به سمت مستندها یا آثار نمایشی که به زندگی شخصی علما می‌پردازد، کار جذابی است. سوز، خود از جذابیت‌هایی برخوردار است. به عنوان مثال علامه طباطبایی که عمری را در تفقه و مجاهدت برای تبلیغ و ترویج معارف دین صرف کرده است و در عین حال فردی بشدت ساده‌زیست و دارای سیمایی نورانی و سبک زندگی عارفانه است، دارای جذابیتی مضاعف نسبت به سوزهای دیگر است. از این جهت حتی نزدیک شدن به اطرافیان و خانواده او (چرا که خودش در قید حیات نیست) به خودی خود دارای ارزشمندی است.

یکی از جهات مهم در تهیه و تولید آثار مستند مربوط به علما، پژوهش است. در واقع، اساس کار مستند، پژوهش است. حال اگر قرار باشد مستندی درباره یک شخصیت روحانی و عالم و فقیه و عارف ساخته شود، اهمیت امر پژوهش دوچندان می‌شود. این گزاره مهم اما چگونه ممکن خواهد بود وقتی مستندساز با سوزهای مواجه است که به این راحتی‌ها در دسترس نیست؟ نمی‌تواند همه لحظاتی را در اختیار داشته؟ نمی‌تواند آنچنان که به سوزهای دیگر نزدیک می‌شود، به او هم نزدیک شود؟ ... عمده این چالش‌های ارتباطی برای پیش از روشن کردن دوربین فیلمبرداری است. در این مرحله است که این مسائل به وجود می‌آید، چرا که بخشی از روحانیون، مفاهیم و اهل فرهنگ سنتی اصلا علاقه‌مند نیستند که رسانه‌ای شوند و با هر چیزی که این فضا را موجب شود، مخالفت خواهد کرد. علما پویژه علمای نسل‌های قبلی نسبت به چهره دوربین کمی سخت‌اعتماد می‌کنند و گاهی اصلا این اعتماد شکل نمی‌گیرد. آنها نمی‌توانند راحت اعتماد کنند، چرا که سطح و نگاه آنها به مسائل فرهنگی و مسائل رسانه‌ای متفاوت‌تر از دیگران است. از طرفی جریان روحانیت همواره علاقه‌مندان زیاد و طرفداران قابل توجهی داشته است. برای همین اینگونه مستندها برای مردم جذاب هستند. گاهی حتی اگر تلاش قابل توجهی در حوزه تکنیکی نشود یا فرم از منظر الگوی روایت و رویکرد پرداخت، شکل نیافته باشد، دیدن تصاویر عادی از یک عالم تراز اول و مجتهد و مرجع تقلیدی که مقلدان فراوان دارد، برای آن مخاطبان جالب توجه است؛ برای عموم مردم هم همین‌طور. آشنایی با عالمی که کمتر نسبت به زندگی‌اش شناخت وجود دارد، برای آنها که در دایره اول مخاطبان هم نیستند، جذاب است.

اما مسیر آشنایی با علما چگونه باز شد و جریان مستندسازی پیرامون ایشان چگونه به مساله‌های جدی برای تلویزیون و بعد مستندسازان تبدیل شد؟ محمد داوودی، تهیه‌کننده سیما درباره نخستین اقداماتی که درباره برنامه‌سازی پیرامون علما در تلویزیون اتفاق افتاد، پیش‌تر در گفت‌وگویی به «وطن امروز» گفته بود: تحت عنوان برنامه‌سازی برای گروه علما اقدام کردیم. نخستین گزینه ما هم آقای بهجت بودند. درباره علمای دیگر مانند آیت‌الله بهاءالدینی، علامه حسن‌زاده و علامه جوادی‌املی هم این تصمیم را داشتیم. آن وقت من در سیما مدیر تولید بودم. گروهی را تشکیل دادیم از دوستانی که متخصص بودند و علاقه‌مند بودند در این زمینه، بیشتر به

قصد ثبت و آرشیو و بعدها اگر شد برای برنامه‌سازی. هدف اولیه‌مان نیز این بود که چیزی از دست نرود. مثلا آقای بهاءالدینی بیمار بودند و ما تقریباً درباره ایشان نتوانستیم کار خاصی انجام دهیم و چند ماه بعد به رحمت خدا رفتند. وی در بخشی دیگر از این گفت‌وگو، نحوه تصویربرداری از آیت‌الله بهجت را مثال زده و گفته بود: فکر می‌کردیم سخت‌ترین بخش کار این باشد که بتوانیم تصاویری از آقای بهجت ضبط کنیم. شاید بیش از ۵۰-۴۰ بار دوستان به قه، منزل و دفتر ایشان رفتند. بعد از این همه سفر تازه اجازه گرفتند. البته همواره هم با وسایلی می‌رفتند، میسر نمی‌شد تا اینکه مسیری برای تصویربرداری از ایشان فراهم شد؛ از نمازهای ایشان در مسجد، حضورشان در حرم حضرت معصومه، حضورشان در حرم امام رضا. در آن یکی، دو سالی که من آنجا بودم، دوستان توانستند تصاویری از آقای بهجت ضبط کنند.

یکی از جذابیت‌های مستندسازی درباره علما، همین پیچیدگی در نحوه ارتباط با علماست. خود اینها در فرآیند به مستندسازی ایده می‌دهد. در عین حال وقتی این اتفاق رقم می‌خورد، می‌تواند تصاویر بکری به دست آورد. تصاویر بکر ارزش است، چرا که دیدن تصویر علما برای علاقه‌مندان شان جذاب است. یکی از نقدهای وارده به مستندهای مربوط به علما، عدم تلاش کارگردان برای درک زیبایی‌شناسی زندگی و شخصیت یک روحانی یا عالم دینی است. گاهی یکی از عدم تلاش برای درک این زیبایی‌شناسی آنقدر توی ذوق می‌زند که می‌شود گفت هر آدمی که می‌توانست با دوربین وارد آن محدوده شود، می‌توانست این ویژگی را داشته باشد که حداقل یک مستند از این زندگی و زمانه بسازد، چرا که سوزها فراتر از متن جذاب است. این مساله پاشنه آشیل مستندساز است. بعد از تماشای برخی مستندهای مربوط به زندگی علما، این سوال را از خود می‌پرسم که اگر کسی آن عالم دینی تراز اول را شناسد و این فیلم را ببیند، شناسنامه‌ای از آن عالم به دست بییند می‌رسد؟ چرا که گاهی اوقات جذابیت مستند به این است که ما خارج از قالب، آن عالم را می‌شناسیم و اتفاقاً به خاطر این شناخت است که مستند جذاب می‌شود. گاهی وقتی سوزها جذاب است، مستندساز به خود زحمت پژوهش نمی‌دهد و همین باعث می‌شود در الگویی روایت و فرم به تکرار کارهای قبلی در این حوزه منجر شود. فرم در این مستندها اتفاقاً مهم‌تر از مستندهای دیگر است، چرا که سلیقه زیبایی‌شناسانه مستندساز در لحظه باید بتواند قلی بسازد که نظیر آن در آثار قبلی نبوده است؛ قلی که در لحظه بتوان از آن به معنا رسید. باید بماند دوربین را کجا قرار دهد. اینکه در اینگونه مستندها دوربین فضاهای پراکنده را بدون انسجام به تصویر می‌کشد و پراکندگی در انتخاب قاب‌ها، به ضعف مستند و به نتیجه نرسیدن آن دامن می‌زند.



## دوبله عربی مستند «العبد» پر طرفدار شد

«تولد آغاز است؛ پای نهادن در جاده حیات مادی؛ سفری که در ۱۲۹۵ شمسی و از فومن برای آیت‌الله العظمی بهجت آغاز شد». این جمله آغازین مجموعه مستند «العبد» از سری مستندهای «حدیث سرو» است که پیرامون آیت‌الله بهجت تولید شده؛ مستندی که با استقبال بسیاری همراه شد و توانست بخش‌هایی نادیده یا کمتر دیده شده از زندگی این عالم ربانی را نمایش دهد. محمد داوودی تهیه‌کننده این مستند، درباره نحوه تصویربرداری از آیت‌الله بهجت می‌گوید: از همان ابتدا در دهه ۷۰ که تلاش کردیم نمازهای ایشان را ثبت و ضبط کنیم، کسی تصور نمی‌کرد موفق شویم و وقتی این اتفاق افتاد، مشغوف شدیم. نکته دیگر هم این است که در دوران ساخت مستند اطلاعات بسیار زیادی از ایشان در اختیار ما قرار می‌گرفت اما تلاش داشتیم از ورود به فضاهایی که ممکن بود شائبه غیرواقعی بودن داشته باشد، پرهیز کنیم، چرا که آنقدر وجود ایشان روحانی بود و تأثیرات معنوی بر افراد داشت که نیازی نبود به چیزی فراتر از آنچه هست، دامن زده شود. یکی دو مورد بود که شاید ۲۰-۳۰ بار برای قراردادنش در مستند مشورت کردیم و بعد طبق اصلی که داشتیم دیدیم بر اساس آموزه‌های خود آقای بهجت، بهتر است اینها در مستند نباشند. درباره صداگذاری این مستند باید بگویم که ۲ جور تریش گذاشتیم.

مسئولان بعد از دیدن کار، با اشاره به اینکه کار خیلی خوب از آب در آمده، اصرار داشتند ما از دوبلور معروفی استفاده کنیم، چون ما یک صدای معمولی را انتخاب کرده بودیم و معتقد بودیم صدا به چیزی بیش از آنچه در فیلم هست دعوت کند. خود مستند داشته‌هایی داشت که نیازی نداشت با صدا برای آن ارزش افزوده ایجاد شود. از جمله اینها تصاویر آقای بهجت و سکوت‌هایی که داشتند. من خودم روزی را که با صدای معمولی یکی از دوستان روایت می‌شود بیشتر دوست دارم. بعد البته از صدای شناخته‌شده‌تری استفاده شد. مسئولان سازمان این مستند را نابوری دنبال و سوال می‌کردند آیا ممکن است مردم بییند؟ تا اینکه بعدها گفتند بالغ بر ۷۰ بار از شبکه‌های مختلف نمایش داده شده است. جالب توجه اینکه حتی در خارج از کشور هم دیده شد. من یک مجموعه مستندی در عراق کار می‌کردم که خیلی از مسئولان از ادبا و تاریخدانان و اینها حضور داشتند. آنجا ما را به عنوان سازندگان مستند «العبد» می‌شناختند. دوبله عربی این کار در عراق و لبنان و کشورهای عرب‌زبان پخش شده است. این مستند بضاعت ما بود و بعد از این باید کارهای زیادی درباره ایشان شود.

## واقع‌گرایی، عنصر لازم روایت‌گری عرفانی

مجبور به جدایی شده، یا چند فرزندش راه او را ادامه ندهاند و برعکس مخالف پدر شده‌اند، اینکه طی سیر و سلوک، فراز و فرود داشته، حتی یک‌بار نماز صبحش قضا شده و هزاران مورد دیگر که کاملاً این الگو را واقعی و دست‌یافتنی‌تر نشان می‌دهد. شما اگر در داستان‌های قرآنی دقت کنید، به وضوح در می‌یابید تصویری که قرآن از انبیا نشان می‌دهد، یک تصویر واقعی و غیراسطوره‌ای است. موسایی که در کوه طور با خدا سخن می‌گوید، همان موسایی است که قتل غیرعمد مرتکب شد و استغفار کرد، همان موسایی است که عصبانی شد و الواح مقدس تورات را به زمین زد و ریش و موی برادر خود را کشید و به او تندی کرد.

نکته دیگری که در این مجال کوتاه باید به آن اشاره کنم، اینکه متأسفانه ما در تولیدات رسانه‌ای و مکتوب در معرفی چهره‌های معنوی، نتوانستیم تصویر درستی از اصل سلوک ارائه بدهیم؛ گاهی ممکن است یک چهره معنوی، یک راه به خصوص داشته باشد که مشخص او است اما تصویر ارائه شده این مطلب را نمی‌سازد و فرد مخاطب گمان می‌کند برای معنوی شدن، مثلاً حتماً باید طبله‌شود، یا حتماً باید ساکن نجف شود، یا حتماً باید یک استاد خاص داشته باشد که آن استاد هم غیبی‌ن باشد. اینکه جوهر سلوک چیست؟ عوارض آن چیست؟ اصل راه چیست؟ راه به خصوص فرد چیست؟ کدام بخش از سیره یک سالک و عارف، عمومی است و کدام بخش خاص و او مختص به او؟ مواردی است که در بسیاری از تولیدات رعایت نشده و به همین خاطر مخاطب را در فضای مبهمی نسبت به طی طریق سلوک نگاه می‌دارد.



**امین خیام:** معرفی عالمان ربانی - که الگوهای معنوی هستند - امری ضروری و بسیار بااهمیت است. سالیان متممادی است هند در هر دوره‌ای یک چهره معاصر معنوی به جهان معرفی می‌کند؛ در دوره‌های آشوب و در دوره کنونی سادگورو و نخست‌وزیر هند به او نشان والای معنویت هند را هم اعطا کرد. هند در سالیان گذشته تلاش کرده با یک نمای معنوی - عرفانی در جهان شناخته شود و به گونه‌ای مرجعیت معنوی جهان را به دست بگیرد که باید گفت بسیار هم موفق بوده است. نگاهي به بازار نشر کتاب معلمان معنوی هندی در داخل کشور، گویای این مساله است که معنویت هندی توانسته جمعیت قابل توجهی از مردم کشور ما را به تسخیر خود در آورد؛ کشوری که خود معدن و منبع عرفان بوده است و بزرگانی چون حافظ و مولوی و عطار را به عرصه معنویت تقدیم کرده است. اگر چه این موضوع نیازمند شرح بیشتر است اما به همین اجمال اکتفا می‌کنم.

تولیدات رسانه‌ای و حتی مکتوبی که طی سال‌های اخیر به معرفی زندگی‌نامه عالمان عارف پرداخته است، قدم بسیار مثبتی بوده اما خلأهای جدی و مهمی در این عرصه قابل مشاهده است. نخستین نقدی که به این تولیدات وارد است، ترسیم یک چهره اسطوره‌ای از این عارفان است به طوری که مخاطب خود را در برابر قلای می‌بیند که دسترسی به آن محال است. نگارنده بعد از سال‌ها جست‌وجو در زندگی عارفان معاصر به قطعیت بیان می‌کنم: زندگی شخصی این بزرگواران، بسیار عادی‌تر و واقعی‌تر از فیلم‌ها و کتاب‌هایی است که درباره آنان نوشته شده است؛ اینکه یک عالم عارفی، زن بدخلق داشته، یا

کارگردانی جواد یغموری، روایت زندگی آیت‌الله سیدعبدالحسین موسوی‌لاری است. ایشان پس از تحصیل در نجف، به لار می‌آید و برای مبارزه با ظلم و استبداد در دوران مشروطه، قیامی را رهبری می‌کند. فیلم مستند «اسید مهدی» درباره شخصیت، افکار و حالات روحی سیدمهدی قوام از علما و روحانیون دهه ۲۰ و ۳۰ تهران است که به واسطه شیوه و سلوک خاص خود و هدایت و ارشاد طبقات مختلف جامعه تا به امروز مشهور و زاینده شده است. این فیلم مستند که توسط بلک مینایی، بازیگر و گوینده کشورمان ساخته و تصویربرداری آن توسط علیرضا اسدزاد در بازار تهران و گوهردشت کرج انجام شده است، سعی دارد با نگاهی موشکافانه و گاه متناقض، ابعاد مختلفی از زندگی مرحوم قوام را برای جامعه امروز آشکار کند.

همچنین مستند «شیخ رضا» به کارگردانی بابک مینایی به زندگی زنده‌یاد شیخ رضا سراج از خطیبان توانمند و نام‌آشنای سال‌های نه چندان دور کشور پرداخته است. شیخ رضا سراج از شاگردان حاج‌شیخ عبدالکریم حائری‌زیدی مستندساز در لحظه باید بتواند قلی بسازد که نظیر آن در آثار قبلی نبوده است؛ قلی که در لحظه بتوان از آن به معنا رسید. باید بماند دوربین را کجا قرار دهد. اینکه در اینگونه مستندها دوربین فضاهای پراکنده را بدون انسجام به تصویر می‌کشد و پراکندگی در انتخاب قاب‌ها، به ضعف مستند و به نتیجه نرسیدن آن دامن می‌زند.

سازمان هنری - رسانه‌ای اوج ام از مجموعه‌هایی است که جریان مستندسازی درباره علما را بیشتر از مجموعه‌های دیگر جدی گرفته است. البته به نفع برای عدم یکنواختی در شیوه و فرم تولید مستندهای اینچنینی، موضوعاتی که برخی علما درباره آنها ورود جدی داشته‌اند، بهانه تولید مستند درباره آن عالم شده بود. مستندهایی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، با این رویکرد در سازمان اوج تولید شده‌اند. مستند «ود» به کارگردانی ابوالفضل منافی‌پور به منی و روش علامه امینی، مؤلف کتاب الغدير در توجه به وحدت مسلمانان می‌پردازد. این مستند از ۵ سکانس تشکیل شده که در هر سکانس به یکی از مباحث مودت، کتاب الغدير، وحدت مسلمانان، مظلومیت امیرالمومنین و گریه بر اباعبدالله الحسین علیه‌السلام پرداخته شده است. مستند «صحوری» به کارگردانی سیدامیر طباطبایی به روایت زندگی احمد بن اسحاق قمی، نماینده امام حسن عسکری در قم و تبدیل این شهر به عنوان یکی از کانون‌های اصلی آیین زرتشت به مرکز تشیع می‌پردازد. شهر قم تا یک قرن پیش از ورود حضرت معصومه (س)، یکی از کانون‌های اصلی آیین زرتشت در ایران بوده است اما این روند با مهاجرت خاندان اشعری به این شهر به عنوان نخستین شیعیان وارد شده در قم به کلی دگرگون و به نوعی خط اول شکل‌گیری مکتب تشیع پایه‌گذاری می‌شود. مستند «شمسیم باران» روایتی از زندگی معنوی آیت‌الله مجتهدی‌تهرانی انصاری از مصطفی حسن‌بیگی است. این عالم برجسته، استاد حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی و مدرس اخلاق بود. وی در خاندانی متدین پرورش یافت. پدرش محمدباقر از کسبه معروف و با فضیلت و جدش میرزا احمد از تاجر مشهور و از مومنان عصر خود بود. بعد از این دو، اجداد مجتهدی همگی در کسوت روحانیت و از علمای بزرگ و از ائمه جماعات مشهور کاشان بودند. از جمله اجداد وی، ملامحمدعلی مجتهد و ملامحمد باقر مجتهد و ملامحمد کاظم مجتهد کاشانی هستند. مستند «مجتهد لاری» به



تولید مجموعه‌های مستند درباره علما از سوی مستندسازان و سازمان‌های فرهنگی - هنری، صداسیما و نهادهای دیگر پیگیری می‌شود که صداسیما موفق‌ترین پیرامون در این حوزه را داشته است. مجموعه «حدیث سرو» یکی از کارهای شاخص حوزه مستند در تلویزیون است. «حدیث سرو» نه تنها مجموعه موفقی از کارهای انجام‌شده در حوزه علمیات، بلکه به عنوان مستند تراز، از جمله کارهای قابل توجه در حوزه مستندسازی است. این مجموعه مستند به زندگی شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله العظمی بهجت، علامه طباطبایی، آیت‌الله شهید دستغیب، آیت‌الله نجابت ... می‌پردازد. در این مسیر مستندهای متفاوتی هم ساخته شده است. از جمله مستند «با من نگاه کن» تلاش کرده بخشی از سلوک آیت‌الله حائری شیرازی را به تصویر بکشد. با مستند «آقا مرتضی‌تهرانی» که می‌کوشد با معرفی یکی از اساتید برجسته معاصر اخلاق و روش زندگی و سلوک، اهمیت و ضرورت اخلاق را در هر زمان پویژه در عصر حاضر مشخص کند. درباره برخی روحانیون شاخص هم این اتفاق افتاده و گاهی مستندهای جذابی با دغدغه‌های روز در این مسیر تولید شده است که از آن جمله می‌توان به «شیخ شوخ کاشی» اشاره کرد؛ مستندی که زندگی حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی را محور قرار داده بود. کارگردان «شیخ شوخ کاشی» بعدتر مستند «قیه ما فیه» را ساخت که پیرامون سختی‌های فیلمسازی درباره فشر روحانی است. داوری‌فر در زمان ساخت «قیه ما فیه» گفته بود: ابتدا قرار بود سه‌گانه «شیخ شوخ کاشی»، «شور شیخ شورا» و «شرح شیخ شریین» ساخته شود که متأسفانه ساخت یکی از این فیلم‌ها متوقف شد و عنوان دیگری هم تغییر کرد. بنابراین برای ساخت مستند «برعکس عکس» سراغ فشر دیگری از روحانیون رفتم که باز هم با مخالفت روبه‌رو شدم. در نهایت به این ایده رسیدم که درباره این مخالفت‌ها فیلمی با عنوان «قیه ما فیه» بسازم. مسأله‌ای از قبیل تعیین وقت و جلب رضایت سوزها، پرسوهای طولانی مدت بود که بیش از یک سال زمان برد.